

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۱۱ |مقدمه |
| ۱۷ | فصل اول: کیفری (مواد مخدر)..... |
| ۱۸ | لایحه وکیل متهم (اعتیاد) در دادسرا..... |
| ۱۹ | لایحه دفاعیه وکیل متهم / تهیه وسایل..... |
| ۱۹ | مخصوص استعمال مواد مخدر..... |
| ۲۰ | ادامه لایحه..... |
| ۲۱ | لایحه دفاعیه وکیل متهم به استعمال مواد..... |
| ۲۱ | مخدر / معاونت در استعمال..... |
| ۲۴ | «لایحه»..... |
| | تقاضای عدول از دستور عدم نیاز ارسال مواد مخدر مکشوفه به آزمایشگاه بدلیل وزن بالای مواد |
| ۲۴ | مخدر..... |
| ۲۵ | «ادامه شرح لایحه»..... |
| ۲۶ | «ادامه شرح لایحه»..... |
| ۲۷ | «ادامه شرح لایحه»..... |
| ۲۸ | «ادامه شرح لایحه»..... |
| ۲۹ | «ادامه شرح لایحه»..... |
| ۳۰ | «ادامه شرح لایحه»..... |
| ۳۱ | لایحه دفاعیه وکیل متهم به استعمال مواد..... |
| ۳۱ | مخدر در گذشته و اعتیاد..... |
| ۳۴ | لایحه دفاعیه وکیل متهم به دایر کردن..... |
| ۳۴ | اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر..... |
| ۳۷ | لایحه دفاعیه وکیل متهم به..... |
| ۳۷ | اختصاص واحد (مسکونی - تجاری - صنعتی و...)..... |
| ۳۷ | به انبار مواد مخدر..... |
| ۴۰ | لایحه دفاعیه وکیل مأمور متهم به آوردن..... |
| ۴۰ | مواد مخدر به زندان، بازداشتگاه..... |
| ۴۲ | نمونه لایحه دفاعیه/ جلسه اول رسیدگی دادگاه انقلاب..... |
| ۴۳ | ادامه لایحه..... |
| ۴۴ | ادامه لایحه..... |
| ۴۵ | ادامه لایحه..... |

- ۴۶..... « نمونه لايحه دفاعيه / جلسه اول رسيدگي دادگاه انقلاب »
- ۴۷..... ادامه لايحه.....
- ۴۸..... « نمونه لايحه دفاعيه / جلسه اول رسيدگي دادگاه انقلاب »
- ۴۹..... « نمونه لايحه دفاعيه / جلسه اول رسيدگي دادگاه انقلاب »
- ۵۰..... « لايحه دفاعيه / جلسه اول رسيدگي امور كيفري..... »
- ۵۱..... « نمونه لايحه تجديدنظر خواهي / از رأی كيفري..... »
- ۵۲..... نمونه لايحه.....
- ۵۴..... « نمونه لايحه تجديد نظر خواهی »
- ۵۵..... ادامه لايحه.....
- ۵۶..... فصل دوم / الف آيين نامه كميسيون عفو و بخشودگي.....
- ۵۷..... آيين نامه كميسيون عفو، تخفيف و تبديل مجازات.....
- ۶۳..... فصل دوم / ب نظريات مشورتی « كيفري » ق.آ.د.ك و ساير قوانين سابق.....
- ۹۹..... فصل سوم آيين دادرسي مدني - مختصر.....
- ۱۰۰..... فصل سوم / الف آيين دادرسي مدني (مختصر).....
- ۱۰۱..... آيين دادرسي مدني (به اختصار).....
- ۱۱۸..... فصل سوم / ب.....
- ۱۱۸..... انواع لوايح حقوقي / كيفري / امور حسبي / تجارتي.....
- لايحه وكيل جديد خواهان (جلسه اول دادرسي) به خواسته مطالبه ثمن نسبت به قسمتي از مبيع كه باطل شده است.....
- ۱۱۹.....
- لايحه دفاعيه وكيل خوانده (جلسه اول دادرسي) در برابر دعوي خواهان اعلام فسخ تقسيم و تقسيم نامه عادي به علت مغبون شدن.....
- ۱۲۲.....
- لايحه دفاعيه وكيل خوانده رديف اول (جلسه اول دادرسي) اخذ به شفعه.....
- ۱۲۵.....
- «نمونه لايحه تجديدنظر خواهي» تايد فسخ قرارداد/ انفساخ/ الفاظ عقود.....
- ۱۲۸.....
- لايحه وكيل جديد خواهان (جلسه اول رسيدگي) به خواسته صدور حكم بر بطلان عقد بيع و اعلام بي اعتباري مبايعه نامه به علت عدم قيد مدت در خيار شرط.....
- ۱۳۰.....
- لايحه وكيل خوانده (جلسه اول رسيدگي) اعلام بطلان معامله به علت وجود اكراه.....
- ۱۳۲.....
- لايحه وكيل جديد خواهان (جلسه اول رسيدگي) به خواسته اعلام بطلان عقد بيع به علت فقدان اهليت.....
- ۱۳۶.....
- «نمونه لايحه دفاعيه خوانده/ جلسه اول رسيدگي حقوقي» مطالبه خسارت وجه التزام قراردادي از وراث متعهد.....
- ۱۳۹.....
- لايحه دفاعيه وكيل خوانده (ظهنويس) رديف دوم، جلسه اول دادرسي.....
- ۱۴۲.....
- نمونه لايحه تبادل / پاسخ وكيل خواهان به خوانده (در جلسه اول رسيدگي حقوقي / اعلام فسخ

- اجاره به شرط تملیک)..... ۱۴۷
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (جلسه اول رسیدگی) در برابر خواسته تأیید و تنفیذ (اعلام) نسخ
معامله به علت..... ۱۴۹
- « نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی » اعلام فسخ با جواز خیار تبعیض
..... ۱۵۱
- « نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی » مطالبه خسارت تأخیر در تأدیه در
باب مشارکت مدنی..... ۱۵۲
- نمونه رأی دادگاه تأیید و تنفیذ (اعلام) فسخ عقد بیع موضوع قرارداد..... ۱۵۳
- « نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / دادگاه حقوقی » اعلام فسخ قرارداد با جواز حاصل
از خیار تبعض صفقه..... ۱۵۵
- لایحه فرجام خواهی به دیوان عالی کشور ۱۵۷
- لایحه تجدیدنظر خواهی وکیل محکوم علیه به دادگاه تجدید نظر استان ... (محکومیت از بابت
ظهنویسی پشت چک)..... ۱۶۵
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» محکومیت به پرداخت وجه و خسارت تأخیر/ ضمانت عدم
اجرای تعهدات لایحه دفاعیه وکیل خوانده در برابر ۱۷۴
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» محکومیت به پرداخت وجه و خسارت تأخیر/ ضمانت عدم
اجرای تعهدات لایحه دفاعیه وکیل خوانده در برابر ۱۷۶
- «نمونه لایحه دفاعیه واخوانده/ تقویت منافع انتقال خودرو توسط پلیس به پارکینگ ۱۷۸
- «نمونه لایحه دفاعیه واخوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی» واخواهی/ الزام واخواه به پرداخت
وجه یک طرفی چک..... ۱۷۹
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی/ از رأی دادگاه حقوقی/ چک سفید امضاء»..... ۱۸۰
- «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» اعسار و تقسیط محکوم به/ چک ۱۸۲
- «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» قاعده منع تحیل دلیل به نفع طرف مقابل ۱۸۳
- «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» قاعده منع تحیل دلیل به نفع طرف مقابل ۱۸۴
- «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» ۱۸۵
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در برابر دعوی خواهان به خواسته مطالبه وجه (سفته، برات، چک) /
جلسه اول دادرسی..... ۱۸۶
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (جلسه اول دادرسی) در برابر دعوی خواهان به خواسته اعلام بطلان
عقد به واسطه اشتباه..... ۱۹۲
- «لایحه/ تجدیدنظر خواهی الزام به تأدیه ثمن بدلیل خیار تبعیض»..... ۱۹۷
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (ایفاء دین)..... ۱۹۹
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی»..... ۲۰۳
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (ابراء)..... ۲۰۴

- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول دادرسی، در برابر دعوی خواهان استرداد وجه واریز شده
 به حساب خوانده..... ۲۱۱
- «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده» (در جلسه اول رسیدگی حقوقی / الزام به
 ایفای تعهدات قراردادی)..... ۲۱۵
- لایحه وکیل خواهان (زوجه - جلسه اول دادرسی) به خواسته مطالبه نفقه معوقه و تعیین نفقه
 ماهیانه..... ۲۱۷
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (جلسه اول دادرسی) به خواسته مطالبه نفقه معوقه افراد واجب التّفقه
 ۲۲۰
- لایحه تجدیدنظر خواهی وکیل محکوم علیه (لواط) به دیوان عالی کشور..... ۲۲۲
- «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده» (در جلسه اول رسیدگی حقوقی / الزام به
 ایفای تعهدات قراردادی / ادعای تبدیل تعهد)..... ۲۲۶
- لایحه وکیل شاکی در برابر متهم موضوع اتهام: دفن جنازه و اختفاء ادله جرم (قتل)..... ۲۲۸
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (متهم) در برابر دعوی خواهان (واهب) رجوع از هبه..... ۲۳۲
- لایحه وکیل جدید خواهان (جلسه اول دادرسی) به خواسته: تأیید و تنفیذ (اعلام) فسخ عقد نکاح
 به علت فقدان وصف..... ۲۳۴
- «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۲۳۶
- «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۲۳۷
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (حجر)..... ۲۳۸
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی از رأی حقوقی»..... ۲۴۲
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (تأدیه به غیر داین)
 ۲۴۵
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (جلسه اول دادرسی) در برابر دعوی خواهان به خواسته ابطال
 گواهینامه اختراع و مطالبه خسارات معنوی و مادی..... ۲۵۰
- «نمونه لایحه تبادل در مرحله فرجامی حقوقی طلاق بدلیل ازدواج مجدد»..... ۲۵۷
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (عسر و خرج زوجه)
 ۲۵۹
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (عسر و خرج زوجه)
 ۲۶۶
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (سفته)..... ۲۷۰
- «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده» (در جلسه اول رسیدگی حقوقی / مطالبه مهر/
 ابراء)..... ۲۷۴
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» رجوع از هبه / ابراء / حق دینی / عین معین..... ۲۷۶
- «نمونه لایحه تبادل در مرحله فرجامی»..... ۲۷۸

- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (تهاتر)/ ورشکستگی ۲۷۹
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (تهاتر قراردادی)... ۲۸۴
- «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۲۸۹
- «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۲۹۰
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی/ تهاتر قراردادی»..... ۲۹۱
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (خیار عیب)..... ۲۹۵
- لایحه وکیل خواهان تقابل به خواسته مطالبه حقوق زارعانه در برابر دعوی اصلی خلع ید..... ۳۰۰
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (جلسه اول دادرسی) در برابر خواسته خواهان به (۱) الزام به تنظیم سند رسمی انتقال (۲) مطالبه خسارت وجه التزام قراردادی..... ۳۰۴
- لایحه وکیل جدید خواهان (جلسه اول دادرسی) به خواسته الزام خوانده به تقسیم (تقسیم به رد) ۳۰۸
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده (احد از شرکاء) در برابر دعوی خواهان به خواسته: الزام به تقسیم به تعدیل مال غیر منقول..... ۳۱۲
- نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی..... ۳۱۸
- نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی..... ۳۱۹
- لایحه وکیل خوانده احد از شرکاء در اعتراض به دستور فروش مال مشاع غیر قابل افراز..... ۳۲۰
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (انتخاب حصّه)..... ۳۲۴
- «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۳۳۰
- «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۳۳۱
- لایحه دفاعیه وکیل شریک خوانده (جلسه اول رسیدگی) در برابر خواسته خواهان به تقسیم مال الشرکه..... ۳۳۲
- «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۳۴۰
- «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده»..... ۳۴۱
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (غبین فاحش در تقسیم)..... ۳۴۲
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (ارث و تملک) (تقسیم ترکه مشاعی)..... ۳۴۸
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (الزام به تقسیم «مهايات»)..... ۳۵۳
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (افراز دین)..... ۳۵۵
- لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان (تقسیم مال الشرکه) (دینی)..... ۳۵۸

- لايحه دفاعيه وکيل خواننده در جلسه اول رسيدگي در برابر دعوى خواهان (تقسيم منافع «مهيات») و خلع يد مستأجر..... ۳۶۴
- لايحه دفاعيه وکيل خواننده در جلسه اول رسيدگي در برابر دعوى خواهان (حق زارعانه)..... ۳۶۸
- لايحه دفاعيه وکيل خواننده در جلسه اول رسيدگي در برابر دعوى خواهان (حق ريشه)..... ۳۷۴
- لايحه دفاعيه وکيل خواننده در جلسه اول رسيدگي در برابر دعوى خواهان (انتقال حق کارافه)..... ۳۸۱
- لايحه دفاعيه وکيل محکوم له در برابر اعتراض شخص ثالث نسبت به توقيف پلاک ثبتي..... ۳۸۷
- لايحه وکيل خواهان تقابل در اعتراض به عدم توقيف ملک مسکوني فاقد سابقه ثبتي..... ۳۹۰
- لايحه وکيل در اعتراض به توقيف اموال غير منقول دولتي قبل از یکسال و نيم..... ۳۹۲
- لايحه وکيل شهرداري در اعتراض به قرار تأمين خواسته و توقيف اموال شهرداري..... ۳۹۶
- لايحه اعتراض وکيل محکوم عليه در توقيف مستثنيات دين (اجرايي)..... ۳۹۹
- فصل چهارم: پرونده مربوط به ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع کشور..... ۴۰۳**
- رای دادگاه / اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف موضوع مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت..... ۴۰۴
- رای دادگاه تجدیدنظر استان / رد تجدیدنظر خواهی..... ۴۰۶
- لايحه وکيل خواهان (جلسه اول رسيدگي)..... ۴۰۷
- لايحه دفاعيه سازمان جنگل ها (خواننده)..... ۴۰۹
- لايحه تجدیدنظر خواهی وکيل خواهان..... ۴۱۲
- لايحه وکيل جهت تکميل قرار کارشناسي..... ۴۱۶
- رای دادگاه عمومي / قرار عدم استماع دعوى..... ۴۱۹
- رای دادگاه عمومي / رد دعوى..... ۴۲۰
- لايحه تجدیدنظر خواهی وکيل خواهان (مرحله تجدیدنظر)..... ۴۲۱
- لايحه وکيل تجدیدنظر خواه..... ۴۲۷
- رای دادگاه تجدیدنظر استان / رد تجدیدنظر خواهی..... ۴۲۹
- لايحه تجدیدنظر خواهی وکيل تجدیدنظر خواه..... ۴۳۰
- لايحه / اعتراض به رأی درخواست اعمال تبصره ۲ ماده ۱۸..... ۴۴۱
- لايحه وکيل تقاضای اعمال تبصره ۲ ماده ۱۸ ق.ت.د.ع.ا..... ۴۵۰
- رای شعب تشخیص سابق دیوان عالی کشور / نقض رأی مندرج در دادنامه به علت خلاف بین شرع و قانون بودن..... ۴۵۳
- فصل پنجم: خلع يد..... ۴۵۶**
- بخشنامه بی اعتباری..... ۴۵۷
- دستور دادگاه به منظور استعلام از شورای اسلامی شهر..... ۴۵۸
- لايحه وکيل به دادگاه حقوقی یک..... ۴۵۹

| | |
|-----|---|
| ۴۶۰ | رأی دادگاه حقوقی یک / خلع ید..... |
| ۴۶۶ | رأی تصحیحی دادگاه حقوقی یک / خلع ید..... |
| ۴۶۸ | لایحه فرجامی و کیل به منظور تجدیدنظر خواهی..... |
| ۴۷۶ | لایحه / خطاب به دادگاه عمومی حقوقی..... |
| ۴۸۱ | لایحه و کیل به دادگاه..... |
| ۴۸۳ | لایحه احد از خواندگان..... |
| ۴۸۴ | رأی دادگاه عمومی حقوقی / خلع ید / وارد ثالث..... |
| ۴۸۸ | رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی..... |
| ۴۸۹ | فصل ششم: تخلیه..... |
| ۴۹۰ | تجدیدنظر از رأی موضوع دادنامه شماره ۱۰۴۵-۷۴/۷/۴..... |
| ۴۹۲ | گفتار در دعوی درخواست تجویز انتقال منافع..... |
| ۵۰۶ | فصل هفتم: آراء وحدت رویه پیرامون عقد اجاره..... |
| ۵۰۷ | آراء وحدت رویه قضائی پیرامون حق سرقفلی؛ حق کسب و پیشه و تجارت..... |
| ۵۱۴ | (۱۵) نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه پیرامون عقد اجاره..... |
| ۵۴۱ | (۶۹) اندیشه‌های قضایی درباره اجاره..... |

«و هو المدبّر الامور»

مقدمه

رسیدگی به مسائل کیفری^۱ علاوه بر حقوق اشخاص، به نظم جامعه نیز مربوط می‌شود و حائز اهمیت بسیار است و به همین دلیل:

اولاً، بخشی از آن بنا به مصالحی، به دادگاه‌های انقلاب محول شده است؛

ثانیاً، بدون هزینه انجام می‌گیرد؛ یعنی وقتی جرمی واقع شد، نظام قضائی به محض اعلام یا شکایت، وارد عمل می‌شود و تمام تحقیقات لازم را برای کشف حقیقت و حصول نتیجه مطلوب انجام می‌دهد و شاکی یا اعلام کننده جرم لازم نیست هزینه‌ای بپردازد و زحمت اثبات ادعا را بکشد. دادگستری در مسائل کیفری بنا به وظیفه قانونی خود اقدام می‌کند و این رسیدگی هر هزینه‌ای هم داشته باشد از بودجه عمومی تأمین می‌شود.

ثالثاً، همراه دادگاه‌های کیفری سازمانی وجود دارد که رسیدگی ابتدایی به جرایم را به عهده دارد. بنابراین تشکیلات کیفری دارای دو بخش اساسی است:

۱. دادسرا و ۲. دادگاه.

۱. دادسرا و وظیفه آن

الف) معرفی دادسرا: هر اجتماعی به نظم نیاز دارد و البته در هر اجتماعی افرادی پیدا می‌شوند که به هر علتی تابع نظم نیستند و با ارتکاب جرم، نظم اجتماع را مختل می‌کنند.

شخصی که در جامعه از یک عمل مجرمانه صدمه دیده است از دادگاه می‌خواهد که بر اساس ضوابط و مقررات مصوب با فردی که مرتکب جرم شده برخورد و او را مجازات کند.

پس اگر بخواهیم طرحی ساده از دادگاه ارائه کنیم باید مثلی ترسیم کنیم که در دو گوشه آن طرفین اختلاف قرار دارند که با یکدیگر معارض هستند و در گوشه دیگر آن قاضی قرار دارد که بیطرف است و باید در خصوص اختلاف آنان حکم براند. این وضعیت کلی تظلم در جامعه است که با یک فرمول

1- penal court.

ساده بیان شد ولی در حقیقت موضوع به این سادگی نیست و جامعه با وجود اینکه از افراد تشکیل شده است، در عین حال، دارای شخصیت و هویت و حیثیتی است که از شخصیت و هویت و حیثیت افراد تشکیل دهنده آن جداست. بنابراین، **اولاً**، هر جرمی الزاماً متوجه افراد و اشخاص نیست و ممکن است بدون اینکه به شخص

خاصی صدمه بزند حقوق و منافع عمومی را هدف قرار داده باشد.

ثانیا، هر جرمی که علیه شخص اتفاق می افتد علاوه بر اینکه به آن شخص صدمه می زند، وجدان عمومی را هم خدشه دار و بر حقوق عمومی خلل وارد می کند و نظم و امنیت اجتماع را به هم می زند.^۱

ثالثاً، با توجه به شرایط و مقررات و روابط پیچیده حاکم بر اجتماع و فنی و تخصصی بودن موضوع، در آنجایی هم که جرم علیه شخص اتفاق می افتد، برای شخص این امکان وجود ندارد که آن را به راحتی کشف و دلایل آن را گردآوری و در دادگاه ارائه می کند و باید ارگانی از جامعه او را یاری نماید.

پس وقتی پذیرفته شد که جامعه هم شخصیت و حیثیتی مستقل دارد بدیهی است که این شخصیت و حیثیت باید دارای متولی و حامی باشد و این متولی «**دادستان**»^۲ است که در اداره ای به نام «**دادسرا**»^۳ و با کمک قضایی به نام «**بازپرس**» و «**دادیار**» این وظیفه مهم را به عهده دارد و فرمانش بر نیروی انتظامی نیز مطاع است.^۴

ب) وظیفه دادسرا: دادسرا بخشی است که به ریاست دادستان اداره می شود. وظایف دادستان در قانون مشخص است ولی سه وظیفه دادستان مهم تر و اساسی تر است.

– اولین وظیفه دادستان این است که وقتی جرمی اتفاق افتاد و یا شکایتی مطرح شد که حاکی از وقوع جرمی بوده، دستور پیگیری و رسیدگی صادر می کند^۵ و این پیگیری و رسیدگی تحت تعلیمات دادستان یا دادیار (**معاون قضائی او**) و یا بازپرس مستقیماً و یا توسط نیروی انتظامی انجام می گیرد. نهایتاً، اگر دلایل کافی بر وقوع جرم و یا بر ارتکاب جرم به دست نیامد، پرونده مختومه می شود ولی اگر دلایل

۱- من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض، فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً... قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۳۲ - فلسفه ای که دادسرا بر آن استوار شده، مکتب دفاع اجتماعی defense sociale است که پس از تحولاتی، با عنوان «مکتب دفاع اجتماعی نو» بر فرهنگ حقوقی دنیای متمدن حاکم گردیده است.

2- prosecutor or prosecuting attorney.

3- minister public or procurator's office or procurator's office.

۴- نیروی انتظامی از جهتی که وظایفش به دادگستری ارتباط پیدا می کند، به تعبیر قانونگذار ضابط دادگستری نامیده می شود و دادستان از نظر قضائی قانوناً رئیس ضابطین دادگستری است.

۵- دادستان وظایف زیادی دارد که به بحث ما مرتبط نیست و آنچه گفته شد بخشی از وظایف دادستان است.

کافی به دست آمد، علیه متهم کیفرخواست صادر می‌شود و از دادگاه تقاضا می‌شود متهم را محاکمه کند و برایش مجازات تعیین نماید. پس با این ترتیب در مثلثی که قبلاً ترسیم شد، در یک گوشه دادگاه قرار دارد که یک نهاد بیطرف محسوب می‌شود، در گوشه‌ای دیگر متهم و بالاخره در سومین گوشه، هم دادستان قرار دارد و هم شخصی که جرم علیه او اتفاق افتاده است. بنابراین، همان گونه که ملاحظه می‌شود، بی‌طرفی دادگاه همواره محفوظ است و دادگاه مجبور نیست در آن واحد هم مدافع حقوق عمومی و هم بیطرف باشد.

– دومین وظیفه دادستان تولیت امور حسبی^۱ است که این وظیفه در بخشی از دادرسی به نام «سرپرستی» مستقر است و مسئول سرپرستی یکی از معاونان دادستان محسوب می‌شود. امور حسبی کارهایی است که باید بدون اینکه کسی درخواستی بکند انجام گیرد و به همین دلیل است که آنها را حسبی^۲ نامیده‌اند.

ماده ۱ قانون امور حسبی آن را چنین تعریف کرده است:

«امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از طرف آنها باشد.»

از مصادیق بارز امور حسبی رسیدگی به امور صغار بی‌سرپرست و عدم محجور آن است. دادستان وظیفه دارد به محض اینکه مطلع شد صغیر بی‌سرپرستی وجود دارد، فوراً برای تعیین سرپرست و نظارت بر اداره اموال وی اقدام کند. دادستان وظیفه دارد وقتی که از فوت شخص بلاوارث مطلع شد، فوراً اقدام لازم را برای جلوگیری از حیف و میل و اتلاف ماترک وی به عمل آورد و ماترک را به تملک عموم درآورد. امثال اینها از مصادیق امور حسبی است که در قانون امور حسبی و مقررات مدنی ذکر شده است.

– سومین وظیفه دادستان اجرای احکام کیفری است که این وظیفه نیز در بخش دیگری از دادرسی با عنوان «اجرای احکام کیفری» در نظر گرفته شده است. و مسئول این بخش نیز یکی از معاونان دادستان است. وقتی که دادستان متهمی را مورد تعقیب قرار داد و آن متهم را با صدور کیفرخواست به دادگاه

1- Les affaires gracieux - gracieuse or probate matters or non - contentious affairs or non - litigious affairs.

۲- حسبه بر وزن ترمه از مفهوم اعتراض و تعرض به امری گرفته شده و امور حسبی اموری است که اقدامات مقامات رسمی در آنها حاجت به شکوی، خصومت و تظلم ندارد بلکه مقامات صلاحیت‌دار باید ارتجلاً متعرض و متصدی و مباشر آن امور شوند - امور حسبی از مقوله عبادات و خیرات لازم نیست باشد. و محتسب هم از این باب است که سابقاً امور حسبی را به مفهومی اوسع از حالیه تصدی می‌کرد جز آن قدر که محتاج به اجتهاد بوده است. (دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق)

معرفی نمود و پس از رسیدگی، جرم آن متهم در دادگاه ثابت شد و برای او مجازات تعیین گردید، دادستان وظیفه دارد بر اساس ماده ۴۸۴ ق.آ.د.ک. جدید مصوب ۹۲ آن حکم را در مورد محکوم اجرا کند.

۲. دادگاه کیفری (یک / دو)

وظیفه دادسرا رسیدگی و تحقیقات در مورد جرایمی است که اعلام شده و یا وقوع آنها به اثبات رسیده است. دادسرا در انجام این وظیفه خود به گردآوری دلایل و شناسایی مرتکب و معرفی او به دادگاه برای مجازات اقدام می‌کند، مثلاً وقتی به دادستان اعلام می‌شود که جسد شخصی که مورد اصابت گلوله قرار گرفته، در حاشیه فلان خیابان پیدا شده است، دادستان رسیدگی به موضوع را به یکی از بازپرسان ارجاع می‌کند و بازپرس تحقیقات لازم را با کمک پلیس تا آنجا که قاتل شناسایی و دستگیر شود به عمل می‌آورد و پرونده را پس از تکمیل به نظر دادستان می‌رساند و در صورتی که دادستان تحقیقات انجام شده را کامل و دلایل را برای طرح موضوع در دادگاه کیفری یک کافی دانست، پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال و از دادگاه درخواست می‌کند تا متهم را محاکمه و محکوم نماید. یا وقتی که کسی به دادستان شکایت می‌کند که خانه‌اش مورد دستبرد سارق قرار گرفته است، دادستان دستور رسیدگی صادر می‌کند و تحقیقات مقدماتی توسط پلیس و

بازپرس یا دادیار تا جایی که به نتیجه برسد، انجام می‌گیرد و نهایتاً اگر سارق شناسایی و دستگیر شد برای محاکمه به دادگاه کیفری دو معرفی می‌گردد. پس مرحله بعدی رسیدگی به جرایم دادگاه کیفری است.

مضافاً قانونگذار بنا به مصالحی و به موجب ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک. رسیدگی به بخشی از جرائم را به دادگاه انقلاب و بخشی دیگر را به دادگاه‌های نظامی محول کرده است. بنابراین دادگاه‌های کیفری به چهار گروه:

دادگاه‌های کیفری یک و دادگاه‌های کیفری دو و دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شوند. در این میان صلاحیت‌های دادگاه‌های کیفری دو قاعده و صلاحیت‌های دادگاه‌های کیفری یک و انقلاب و نظامی استثناء محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اصل بر این است که رسیدگی به همه جرائم در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو است به استثنای جرائمی که قانون آنها را در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه‌های انقلاب و نظامی قرار داده است. به عنوان قاعده کلی، باید در نظر داشت که رسیدگی در دادگاه کیفری در دو مرحله صورت می‌گیرد: **مرحله نخستین** و **مرحله تجدیدنظر**. منظور از دو

مرحله‌ای بودن این نیست که الزاماً یک مسئله باید دو بار رسیدگی شود بلکه منظور این است که اگر یکی از طرفین به نتیجه رسیدگی در بار اول معترض بود حق دارد درخواست تجدیدنظر کند و در این صورت موضوع یک بار دیگر در دادگاه تجدیدنظر مطرح می‌شود.

دادگاه کیفری پس از وصول پرونده معمولاً جلسه محاکمه تشکیل می‌دهد. در این جلسه باید دادستان یا معاون قضائی او «دادیار» شاکی و متهم حضور داشته باشند و دادستان و شاکی هر کدام از موضع خود درباره جرمی که اتفاق افتاده صحبت می‌کنند سپس متهم سخن می‌گوید و نهایتاً دادگاه بر اساس دلایل موجود در پرونده و اظهارات طرفین اگر دلایل را برای توجه اتهام کافی دانست، متهم را محکوم و در غیر این صورت، متهم را تبرئه می‌کند.

با حفظ مقدمات مذکور:

این کتاب به عنوان جلد پنجم از مجموعه ۱۰ جلدی راهنمای نگارش لوایح (فن دفاع) به کاربران عزیز عرضه می‌گردد امید است در اجرای عدالت و احقاق حق مثمر واقع گردد.

(بعون ... تعالی)

جعفر اخترنیا

فصل اول

**کیفری
(مواد مخدر)**



لایحه وکیل متهم (اعتیاد) در دادسرا

تاریخ:.....

شماره پرونده:.....

پیوست:.....

ریاست محترم شعبه..... بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب.....

سلام علیکم - احتراماً با اجازه و اختیار حاصل از یک برگ وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی و به وکالت از ناحیه متهم آقای / خانم..... به اتهام: اعتیاد به مواد مخدر بدین وسیله خاطر عالی را مستحضر می‌دارد تعقیب موکل به دلایل مشروحه ذیل واجد اشکال بوده مآلاً منع تعقیب موکل تحت استدعاست.

مقدمتا در باب تشریح اعتیاد معروض می‌دارم:

۱- «اعتیاد یعنی عادت کردن و معتاد به کسی می‌گویند که به یک عمل خاص عادت کرده باشد. از نظر اصطلاحی اعتیاد بیانگر نوعی وابستگی است به نحوی که اراده و اختیار شخص مختل شود و نتواند به راحتی از استعمال مواد مخدر دست بردارد... نوع وابستگی انسان معتاد به مواد مخدر بسته به نوع مواد مخدر تفاوت می‌کند. برخی وابستگی جسمی و برخی دیگر وابستگی روانی و برخی هم هر دو نوع وابستگی را ایجاد می‌کند»

۲- «اعتیاد... از جرائم مستمر است و رفتار مجرمانه تشکیل دهنده عنصر مادی مستمرا در جریان وقوع است. اعتیاد به مواد مخدر از نادر جرائمی است که عنصر مادی آن «داشتن حالت مجرمانه» ناشی از فعل مادی ایجابی است»

۳- «... با عنایت به تأیید ادعای محکوم علیه از سوی مجامع خدمات بهزیستی استان به شرحی که گذشت به استناد تبصره یک ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر عقیده به نقض بلاارجاع دادنامه صادره در مورد مشارالیه دارم»

(دادنامه شماره $\frac{۵۳۶۱}{۷۹/۱۰/۲۸}$ دادستانی کل کشور).

۴- «... حکم دادگاه از لحاظ مورد استناد و مبنا خالی از اشکال است. النهایه معرفی محکوم به مرجع قضایی [معتاد خود معرف] می‌تواند از موجبات تخفیف باشد)

(دادنامه شماره $\frac{۳۲/۱۳۹۳۲}{۷۹/۱۰/۷۷/۸/۲۷}$ دادستانی کل کشور).

۵- در موردی که شخص تحت درمان است مرجع قضایی می‌بایست اقدام به صدور قرار منع تعقیب نماید.

بناءً به مراتب که ذکر آن رفت و به علت قرار داشتن موکل تحت درمان به شرح گواهی شماره مورخ..... رسیدگی و صدور قرار منع تعقیب موکل از محضر بازپرس محترم تحت

استدعا می‌باشد. با تشکر و تجدید احترام - وکیل متهم



نهان نگاری آموزشی مرکز

**لایحه دفاعیه وکیل متهم / تهیه وسایل
مخصوص استعمال مواد مخدر**

تاریخ:.....
شماره پرونده:.....
پیوست:.....

ریاست و مستشاران محترم شعبه..... دادگاه انقلاب.....

سلام علیکم - احتراماً اینجانب..... با اجازه و اختیار حاصل از یک برگ وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی و مضبوط در پرونده، عطف به برگ اخطاریه شماره..... به تاریخ رسیدگی..... به ساعت..... کلاس..... در برابر کیفرخواست مورخ..... شماره..... دادستان محترم عمومی و انقلاب..... علیه موکل به اتهام تهیه وسایل مخصوص استعمال مواد مخدر، بدین وسیله و در مقام دفاع و تقدیم لایحه دفاعیه خاطر عالی را مستحضر می‌دارد به دلایل مشروحه آتی الذکر این کیفرخواست وارد نبوده و شایسته رد می‌باشد:

مقدمتاً مواردی در جهت تشخیص اذهان قضائی به عرض می‌رسانم:

متن ماده ۲۰- هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی را وارد کند، بسازد، خرید یا فروش کند، علاوه بر ضبط آنها به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شود. مرتکبین نگهداری، اخفاء یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازاء هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می‌شوند، عتایق از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.

بدوا نظر ریاست محترم دادگاه را به نمونه رأی دیوان عالی کشور معطوف می‌دارم:

۱. «... ریاست محترم شعبه ۹ دادگاه در پاسخ اعتراض این شعبه مرقوم نموده‌اند که قید «مختصه» در عبارت ماده ۲۰ فقط برای تولید است نه استعمال. نظر به اینکه برخلاف نظر ریاست محترم دادگاه این اجراء بر اعتراض خود باقی است زیرا به قرینه کلمه «یا» به نحوی این موضوع فهمیده می‌شود. لفظ استعمال در عبارت ماده عطف بر تولید نه مخصوص تولید... نظریه دادیار با دقت نظر در منطوق ماده ۲۰ (ق.ا.ق.م.م) علی‌الخصوص اینکه جمله مرتکبین نگهداری اخفاء یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر... در ادامه آن قید شده و صدر ماده به مختص بودن آلات و ادوات اشاره گردیده اعتراض اجرای احکام موجه به نظر می‌سد پیشنهاد نقض بلاارجاع دادنامه در



ادامه لایحه

تاریخ:.....

شماره پرونده:.....

پیوست:.....

خصوص تعین مجازات شلاق نامبردگان به استناد ماده ۲۰ قانون مذکور را دارم»

دادنامه شماره $\frac{۳۲/۲۱۴۰۷}{۷۹/۵/۲۳}$ دیوان عالی کشور).

۲. «سؤال: با توجه به اینکه امروزه تهیه وسایل مخصوص استعمال مواد مخدر تریاک برای معتادان و مصرف کنندگان مواد مخدر از لوله خودکار و تعدادی سنجاق و یا از قلیان جهت استعمال استفاده می کنند و یا وسایل ابداعی مثل نگاری (قلقلی) که تهیه می شوند جهت استعمال مواد مخدر صرفا و به طور کرارا از عنوان وسیله استعمال و به منظور استعمال تهیه می شود آیا می توان مشمول ماده ۲۰ و علی الخصوص قسمت اخیر آن قرار داد و مجرمین و نگهدارندگان آلت ابداعی مثل قلقلی را مجازات نمود؟

پاسخ: وسایل مورد اشاره متعارفا وسیله مخصوص استعمال مورد نظر مقنن تلقی نمی شود»

(نظریه شماره $\frac{۱۷۹۵۳۰}{۸۰/۱۲/۹}$ کمیسیون حقوقی دادستانی کل کشور).

۳. «عنصر مادی این جرم شامل اعمال مادی و ایجابی وارد کردن، ساختن، خرید و یا فروش است. قانونگذار در خصوص عناصر مادی دیگر مانند عرضه برای فروش و صادر کردن این آلات سکوت اختیار کرده است. لذا مطابق اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها عرضه و صادر کردن آلات و ادوات مخصوص استعمال و یا تولید مواد مخدر جرم محسوب نمی شوند... قانونگذار عمدا یا به غفلت از حمل و نگهداری و اختفاء آلات و ادوات مخصوص تولید مواد مخدر ذکری به میان نیاورده است...»
بناءً به مراتب و معنونه در فوق که مذکور شد، کیفرخواست تصدیری وارد نبوده به علت فقدان تحقق ارکان بزه یاد شده صدور حکم بر براءت موکل به دلایل خلاصه ذیل تحت استدعاست.

.....۱

.....۲

.....۳

اجرای اصل منبع ۳۷ قانون اساسی و صدور حکم براءت به استناد اصالة البرائة و ماده ۴ ق.آ.د.ک مورد تقاضا می باشد.

با تشکر و تجدید احترام



لایحه دفاعیه وکیل متهم به استعمال مواد
مخدر / معاونت در استعمال

تاریخ:.....
شماره پرونده:.....
پیوست:.....

ریاست و مستشاران محترم شعبه..... دادگاه انقلاب.....

سلام علیکم - احتراماً به وکالت از ناحیه متهم آقای / خانم..... در برابر کیفرخواست شماره / مورخ دادستان محترم عمومی و انقلاب..... به اتهام: استعمال و معاونت در استعمال مواد مخدر از نوع..... عطف به برگ اخطاریه شماره / مورخ به تاریخ رسیدگی..... به ساعت..... موضوع کلاسه بدین وسیله و در مقام دفاع و تقدیم لایحه دفاعیه، خاطر عالی را مستحضر می‌دارم کیفرخواست یاد شده به دلایل مشروحه ذیل الذکر واجد اشکال بوده و در ماهیت با عدم اثبات مواجه بوده و مآلاً شایسته رد می‌باشد.

مقدمتاً در شروع دفاع از موکل، از باب نیک اندیشی و سهولت در رجوع به نمونه‌هایی از احکام صادر شده در خصوص اتهامات فوق به عرض می‌رسانم:

۱- استعمال مواد مذکور در ماده (۱) بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی.

۲- استعمال مواد مذکور در ماده (۸) به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی.

۱. بنا به صراحت صدر ماده ۱۹ مجازات‌ها این ماده شامل استعمال کنندگان غیر معتاد است.

۲. «... با ملاحظه و مذاقه در مجموع اوراق و محتویات پرونده ایراد و اعتراض قاضی محترم اجرای احکام در آن قسمت از محکومیت محکوم علیه مبنی بر معاونت در استعمال تریاک موجه به نظر می‌رسد زیرا معاونت در جرم استعمال مواد مخدر در حالی که همین شخص به جرم مباشرت در جرم استعمال مواد مخدر محکومیت حاصل نموده و جاهت قانونی ندارد...» (دادنامه شماره $\frac{۳۲/۲۲۵۸۲}{۷۹/۹/۲۳}$ دادستانی کل کشور).

۳. «... با وارد دانستن اعتراض اجرای احکام به لحاظ فقد ادله اثباتی در توجه اتهام و عدم کفایت تنها قرینه موجود (آزمایش استعمال) و مخدوش بودن آن با وجود نسخه پزشکی



تاریخ:.....

شماره پرونده:.....

پیوست:.....

ارائه شده (مشعر بر مصرف داروی کلدئین دار) پیشنهاد می گردد حکم مذکور نقض بلاارجاع گردد.»

(دادنامه شماره $\frac{۴۹۴}{۷۹/۱۱/۹}$ دادستانی کل کشور).

۴. «... حسب مجموع محتویات پرونده نظر به اینکه اقرار الف (مواد برای مصرف خودم و برادرم می باشد) فقط کاشف از قصد متهم برای استعمال مواد بوده که با دستگیری و کشف مواد عقیم مانده و از عبارت مذکور برای اینکه در گذشته مصرف یا اعتیاد داشته نمی توان استفاده کرد مضافاً به اینکه نامبردگان در بدو دستگیری برای آزمایش اپیوم معرفی نشده اند. فلذا من حیث المجموع رأی اصداری دارای ایراد است...»

(دادنامه شماره $\frac{۳۲/۲۱۸۸۵}{۷۹/۹/۱۳}$ دیوان عالی کشور).

۵. «... قاضی محترم اجرای احکام اعلام داشته چون محکوم تریاک، مصرف می نموده می بایست در خصوص استعمال مجازات منظور می گردید. لیکن قاضی صادرکننده رأی اعلام داشته چون متهم قبلاً مواد مصرف می نموده و در زمان دستگیری تریاک مصرف ننموده مجازات برای عمل گذشته به نظر می رسد منطبق با موازین نباشد ولیکن قاضی اجرای احکام بیان داشته محکوم به طور صریح استعمال را پذیرفته ولی چون اظهار داشته ۱۵ روز است مصرف ننموده عمل وی مشمول ماده ۱۹ قانون مزبور می شود و ماده اطلاق دارد... نظریه دادستان کل کشور: اعتراض قاضی اجرای احکام به حکم در مورد الف وارد تشخیص و مقتضی است دادگاه محترم حکم تکمیلی صادر نماید.»

(دادنامه شماره $\frac{۷/۲۳۵}{۷۷/۳/۲۳}$ دادستانی کل کشور).

۶. «با توجه به این که در برخی از مواد قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ (از این حیث تفاوتی بین قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر وجود ندارد) مراتب تشدید و رعایت تکرار جرم به نحو خاصی پیش بینی شده است لذا مورد این قانون از شمول ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مستثنی است و در مواردی که عنصر قانونی تشدید از جمله موضوع ماده ۱۹ موجود نیست باید از تشدید کیفر امتناع گردد.» (نظریه مشورتی $۷/۷۷۲۳۵/۳/۲۳$ اداره حقوقی قوه قضائیه).

۷. در ماده ۱ این قانون مقرر شده: «ماده ۱ اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات های مقرر در این

قانون محکوم می شود: ۱..... ۲.....»



تاریخ:.....

شماره پرونده:.....

پیوست:.....

۳..... ۴..... ۵. استعمال مواد مخدر به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.» و در ماده ۴۱ این قانون مصرف مواد ممنوع برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی شده است.

بناءً به مراتب و معنونه در فوق: کیفرخواست پیش گفته به دلیل وارد نمی باشد:

چه اولاً: موکل منکر استعمال است و در پرونده دلیل بر اثبات این اتهام مشهود نیست.

ثانیاً: معاونت وحدت قصد و اقتران زمانی لازم دارد، و موکل بعد از ورود متهم اصلی وارد منزل ایشان شود، در نتیجه انطباق فعل با معاونت محل مناقضه خواهد بود.

بناءً علیهذا: رسیدگی و تصمیم شایسته منطبق با منازم و موازین شرعی و قانونی از محضر دادگاه تحت استدعاست.

با تشکر و تجدید احترام

وکیل متهم



«لایحه»

تقاضای عدول از دستور عدم نیاز ارسال مواد مخدر مکشوفه به
آزمایشگاه بدلیل وزن بالای مواد مخدر

تاریخ:.....

پیوست:.....

ریاست محترم شعبه.... بازپرسی دادسرای انقلاب

سلام علیکم با احترام و در جایگاه وکیل مدافع متهم آقای دائر بر نگهداری ۱۰ کیلوگرم مواد مخدر از نوع هروئین؛ و عطف به تصمیم آن قاضی محترم متضمن عدم لزوم ارجاع مواد به آزمایشگاه جهت تلخیص بعلت وزن بالای مواد مخدر و عدم تأثیر خلوص مواد حتی در صورت محاسبه فقط یک سوم آن؛ خاطر عالی را به موارد ذیل در خصوص پروان و مخالفان تلخیص مواد مخدر؛ معطوف داشته و دستور مقتضی مورد استدعاست.

بدو استفساریه مجمع:

دبیر محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

با احترام، بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در رسیدگی قضائی جرائم مواد مخدر، در طول چند دهه گذشته، همواره قضات در خصوص تعیین خلوص یا عدم تعیین خلوص مواد مخدر متفاوت عمل کرده‌اند و علی‌رغم وجود مشکل در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ آن مجمع باز هم این موضوع مسکوت مانده است. در حال حاضر از آنجایی که این موضوع در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی به اختلاف عمل می‌شود و از آنجایی که عدالت قضائی رویه یک شهر و دو نرخ را نمی‌پذیرد لازم است آن قانونگذار محترم هر چه سریعتر نسبت به تفسیر و ارائه خط و مشی قانون شایسته و اقدام فرماید. اما برای روشن تر شدن موضوع ابتدا دلایل گروه اقلیت یعنی مخالفان تعیین خلوص و سپس دلایل گروه اکثریت یعنی موافقان تعیین خلوص مواد مخدر را ارائه می‌نمایم:

الف- دلایل مخالفان تعیین خلوص مواد مخدر:

- (۱) مصلحت جامعه ایجاب می‌کند که مواد مخدر را تعیین خلوص ننموده و معیار را همان مواد ناخالص محاسبه کنیم تا کسانی که به نوعی مرتکب جرائم مواد مخدر می‌شوند به اشد مجازات محکوم شوند.
- (۲) تعیین خلوص باعث اطاله دادرسی شده و هزینه‌های زیادی را بر دولت تحمیل می‌کند.
- (۳) آنچه که مدنظر قانونگذار ۱۳۶۷ بوده مواد مخدر عرفی بوده ولی سهواً کلمه عرفی از قلم افتاده و در سال ۱۳۷۶ هم به آن توجه نشده است.



«ادامه شرح لایحه»

تاریخ:.....

پیوست:.....

۴) ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸ صریحاً مواد مخدر عرفی را ملاک قرار داده است لذا از آنجایی تعاریف کلی مواد مخدر از دهه ۳۰ تا به امروز بدون تغییر باقی مانده تعیین خلوص و جبهه قانونی ندارد.

۵) از آنجایی که نظریه شماره م/۱۲/۸۳/۲۸۳۸۵/۱۴۰ صادره از سوی معاونت محترم دادستانی کل کشور در مورخه ۸۳/۶/۱۴ حاکی از آن است که فقط در جایی که مجازات جرم مواد مخدر اعدام است و یا جایی که متهم اشعار می‌دارد که مواد من ناخالص است قاضی باید مواد را تعیین خلوص نماید و براساس آن رأی دهد و سایر موارد نباید تعیین خلوص صورت گیرد.

۶) اگر مقنن مواد خالص را در نظر داشت حتماً تصریح می‌کرد همان‌طور که تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۸۵/۵/۲ هیأت وزیران در خصوص کوکائین اعلام می‌دارد جایی که در مواد مکشوفه میزان کوکائین بیش از یک در هزار باشد در حکم کوکائین خالص می‌باشد و یا در خصوص مرفین می‌گوید جایی که استحصالات ناشی از تریاک حاوی حداقل ۲۰ درصد مرفین باشند در حکم مرفین می‌باشند.

۷) اکثر متهمان خود اقرار می‌کنند که مثلاً هروئین به مقدار..... فروخته‌ام پس همین اقرار متهم کفایت می‌کند و تکلیف از ما رفع شده و ما هروئین را خالص فرض می‌کنیم و او را بر همین اساس مجازات می‌نماییم.

۸) اگر قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک ۱۳۳۸ توسط قانونگذار ۱۳۵۹ نسخ گردیده لیکن آن قانون نسخ به وسیله قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ مجمع محترم تشخیص نسخ گردیده و عملاً قانون اولیه احیاء گردیده است.

ب- دلایل موافقان تعیین خلوص مواد مخدر:

۱) ماده ۱۰ قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۲/۳۱ براساس ماده ۲۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۹ نسخه گردیده است و اصل بر این است که قانونگذار محترم حکیم و در مقام بیان ماده مذکور را نسخ نموده است.

۲) هر چند قانون تشدید مجازات مرتکبان جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی ۱۳۵۹ توسط



کانون علمی استراتژی و راه

«ادامه شرح لایحه»

تاریخ:.....

پیوست:.....

قانونگذار محترم ۱۳۶۷ نسخ گردیده لیکن نسخ اولیه به قوت خود باقی است و هرگز نمی‌توان استدلال کرد که قانون منسوخ منع کشت خشخاش و ... مصوب ۱۳۳۸ دوباره احیاء گردیده است. ۳) ارتکاب هر جرم مستلزم وقوع سه رکن مادی، معنوی و قانونی آن عمل مجرمانه می‌باشد وقتی که قانونگذار در مواد ۴، ۵ و ۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام به ماده مخدره خاصی چون تریاک، هروئین، مرفین و ... با فرمول‌های شیمیایی خاص به وقوع پیوندد.

توضیح اینکه اگر کسی قصد خرید هروئین (دی استیل مرفین) را داشت اما به او ماده‌ای دادند که ۹۵ درصد آن قرص ضد حاملگی (چیزی که بیشتر مخلوط می‌شود) بوده و مابقی آن هروئین باشد. اینجا عنصر مادی جرم در حد همان ۵ درصد وزن مربوطه واقع شده است و نسبت به مازاد آن عنصر مادی جرم تحقق نیافته است. همان‌طوری که اگر ما در مغازه‌ای تقاضای یک کیلو ارده نماییم و مغازه‌دار حلوایی به ما بدهد که ۵ درصد آن ارده و مابقی آن مواد دیگر (سفیده تخم مرغ، شکر و ...) باشد در اینجا بیع شرعی تنها در حد همان ۵ درصد وزن (۵۰ گرم ارده) صحیح انجام شده است.

۴) وقتی که در قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ و اصلاح آن در سال ۱۳۷۶ قانونگذار محترم به این نکته اشاره نشده است که اگر مواد مخدر احصاء شده، مخلوط یا محلول با مواد دیگری باشد، مواد مکشوفه خالص فرض می‌شود پس بر طبق اصل عدم ما باید به اصل وظیفه قانونی مواد مذکور عمل نماییم و عمل به غیر از آن ما را از «حیطه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» خارج می‌سازد. توضیح اینکه قانونگذار در هر جا که لازم بوده است تصریحاً این موضوع را بیان کرده است. از جمله موارد یکه در قوانین جاریه به چشم می‌خورد تبصره ماده ۳ قانون روانگردان (پسیکو تروپ) مصوب ۱۳۵۸/۲/۸ است که در آنجا قانونگذار ذیل ماده مذکور اعلام داشته است: «مواد فهرست شماره یک و لو اینکه با مواد دیگری مخلوط یا محلول باشد از نظر مجازات خالص محسوب می‌شود، مشروط به اینکه به همان صورت قابل مصرف باشد.»

۵) بحث عرفی اولاً در میزان و مقدار جایی است که قاعده «اکثر» وجود داشته باشد و اکثر در ریاضیات جایی معنا پیدا می‌کند که از ۱۰۰ درصد حداقل حائز ۵۱ درصد باشد مثلاً غله‌ای را که بیش از ۵۰ درصد آن جو باشد و مقدار جزئی در آن گندم مخلوط باشد، هرگز گندم نمی‌نامیم. ثانیاً جایی که کالایی



«ادامه شرح لایحه»

تاریخ:.....
پیوست:.....

به جای کالایی دیگر معرفی می شود معنا پیدا نمی کند به طوری که اگر تاجری پوست درختی را آسیاب کرد و پودر آن را که زردرنگ است به جای زردچوبه بفروشد، آیا واقعاً می توان گفت مردم زردچوبه خریده اند این احکام کلی در مورد مواد مخدر (مخصوصاً هروئین که این روزها در بازار درصد ناخالصی ماده ای که به عنوان هروئین فروخته می شود به حکایت آمار بیش از ۷۰ درصد می باشد) هم باید رعایت شود.

۶) در دادسراها و دادگاه های انقلاب اگر مواد مکشوفه از طرف آزمایشگاه منفی اعلام شود قضات محترم (با وحدت رویه) در خصوص عمل مجرمانه در مورد آن ماده مشکوک به مخدر به لحاظ فقدان عنصر مادی قرار منع تعقیب یا برائت (حسب مرجع رسیدگی کنند) صادر می نمایند حال اگر این ۱۰۰ درصد منفی به ۹۹ درصد تقلیل یابد چه اتفاق مهمی می افتد که همه وزن آن مواد به یک باره بر آن متهم بار شده و متحمل مجازات های سنگین می گردد؟! چه بسا در این پرونده گاهی اعدام یا منع تعقیب همنشین می شوند؟!!

۷) اقرار در امور کیفری موضوعیت نداشته بلکه طریقت دارد و این موضوع متواتراً صرف نظر از اینکه در احکام و روایت شرعی (داستان امام حسن «ع» و قاتل کارد به دست در خرابه) و در قوانین موضوعه (ماده ۲۳۶ قدم ۱) مورد شک و تردید قرار گرفته بنابراین این مطلب درست نیست که بگوییم چون متهم اقرار کرده که هروئین خریده است پس ماده مکشوفه هروئین است.

۸) قاعده تفسیر به نفع متهم اقتضاء دارد که درصد خلوص گرته شود زیرا از هر لحاظ به نفع متهم می باشد خصوصاً در جایی که بحث خون یک انسان مطرح است اقتضای عقلی و احتیاط شرعی ایجاب می کند که این قاعده را رعایت کنیم.

۹) قسمت اخیر بندها ماده ۱ پروتکل اصلاحی معاهده واحد مواد مخدر سال ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۴۰ هـ ش) که مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۴ قانون الحاق آن را به تصویب رسانیده است مواد مخدر خالص را در نظر گرفته است.

۱۰) در قسمتی از جوائیه شماره م/۱۲/۲۸۳۸۵/۸۳/۱۴۰ مورخه ۱۳۸۳/۶/۱۴ دادستانی کل آمده است که فقط اگر متهم اعلام داشت مواد مکشوفه از او ناخالص است باید تعیین خلوص نماییم و در غیر آن، مواد عرفی تلقی شود، باید اعتراف نماییم این فرآیند مفری برای متهمان حرفه ای سابقه دار است و آنها به



قانون‌های اساسی ایران

«ادامه شرح لایحه»

تاریخ:.....

پیوست:.....

راحتی از مجازات‌های سنگین رهایی می‌یابند ولی آن متهمانی که ناآگاهانه و برای اولین بار از روی ناشی‌گری یا بیکاری مرتکب یکی از جرایم مواد مخدر شده‌اند و چه بسا همکاری لازم را نیز در جهت دستگیری قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر نموده‌اند و اغلب سخت پشیمان و نادم هستند، راه استفاده از این راهکار قانونی را عملاً نمی‌دانند و به مجازات‌های سنگینی براساس کل مواد مکشوفه محکوم می‌شوند.

(۱۱) همچنین در قسمت اخیر جوابیه فوق پذیرفته شده است که در مواردی که مجازات جرائم مواد مخدر، اعدام می‌باشد باید مواد مکشوفه تعیین خلوص شود تا شاید مجازات اعدام او به مجازات‌های دیگر تبدیل شود ولی مادون مجازات اعدام، بر عدم تعیین خلوص اصرار می‌ورزد، کدام قاعده عقلی به ما می‌گوید.

کسی که میزان موادش بالاست (در حد اعدام) باید مورد رأفت اسلامی قرار گیرد ولی کسی که میزان مواد او به مراتب کمتر از یک اعدامی است مورد رأفت اسلامی قرار نگیرد، مثلاً کسی که ۲۹ گرم هروئین فروخته است باید مجازات سنگین بند ۵ ماده ۸ ق اصلاح قانون مبارزه با مواد مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام را متحمل شود اما دیگر متهمی که ۳۱ گرم از همان پارتنی هروئین را فروخته چون مجازات او اعدام است باید موادش تعیین خلوص شود! و چه بسا تجربه نشان داده است با توجه به معیار خلوص هروئین‌های فعلی میزان مواد او کمتر از ۱۰ گرم شده و به مجازات بسیار سبک بند ۴ ماده مذکور محکوم می‌شود! یک شهر و دو نرخ!! اگر در مجازات اعدام ایرادی هست قانونگذار محترم باید از مواد ۴، ۵ و ۸ اعدام‌زدایی کند، از طرفی چه بسا مجازات حبس یا جزای نقدی در بعضی از خانواده‌ها به مراتب تخریب کننده‌تر است.

(۱۲) انصاف و مروت که زیربنای عدالت اسلامی بوده و مرحوم شیخ انصاری (ره) به خوبی پیرامون آنها بحث کرده است ایجاب می‌کند هر کس را به اندازه گناهی که انجام داده است مجازات کنیم پس برای شناسایی قدر و اندازه گناه می‌توانیم از اهل فن استفاده کنیم تا عدالت واقعی اجرا شده و حق کسی ضایع نگردد.

(۱۳) به موجب بحث ششم از فصل دهم قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مرجع رسیدگی کننده می‌تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین موضوع مورد رسیدگی را از کارشناس استعلام نماید.



«ادامه شرح لایحه»

تاریخ:.....
پیوست:.....

در مواد مخدر هم اداره تشخیص هویت ناجا حکم کارشناس را دارد لذا در هر پرونده‌ای قاضی می‌تواند نظر او را در خالص یا ناخالص بودن مواد مخدر جویا شود.

۱۴) مصلحت جامعه، اطلاع دادرسی و هزینه‌های دولت هرگز نمی‌تواند بهانه‌هایی برای عدم اجرای صحیح قانون باشند اگر قانون نقص دارد قانونگذار باید با مصوبات تکمیلی نواقص را برطرف سازد. اگر ارسال مواد مخدر برای تعیین خلوص زمانبر است دستگاه‌های اجرایی باید امکانات آزمایشگاه‌های متعدد را فراهم سازند تا به جریان و پروسه دادرسی سرعت بخشند.

دولت‌ها مسئول وقوع جرائم در جوامع هستند چرا که اگر فرآیندهای اجتماعی به تدابیر سازنده و کارشناسی مورد چپش قرار می‌گرفتند اگر برای جوانان این مرز و بوم شغل‌های مناسبی فراهم شده بود اگر ورزش معنای واقعی خود را پیدا کرده بود و اگر معیشت و مسکن خانواده‌ها در حد یک حداقل فراهم شده بود هرگز یک جوان ایرانی مرتکب جرائم معلول علت‌هایی هستند که اکثر آنها به سیاست‌های خود را به ورطه نابودی سوق دهد این جرائم معلول علت‌هایی هستند که اکثر آنها به سیاست‌های نادرست حکومت‌ها برمی‌گردد. لذا امروز وظیفه دولت‌هاست که برای برقراری نظم در اجتماع هزینه‌هایی را پرداخت کنند و در این وادی پرداخت هزینه‌های آزمایشگاه تشخیص هویت ناجا صرفنظر از اینکه هر سال چندین تن ماده مخدر تحویل کارخانجات داروسازی می‌شود از وظایف ذاتی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۱۵) قضات فقط مجری قوانین رسمی مصوب مجلس شورای اسلامی و مجمع محترم تشخیص مصلت نظام و آراء وحدت رویه‌ها هستند لذا دستورالعمل‌ها، بخش‌نامه‌ها و نظراتی که گاه قائم به شخص و گاه قائم به هیأت‌های خاصی در یک مقطع زمانی هستند هر چند به اعتبار صادر کنندگان آن محترم بوده ولی نمی‌توانند الزام قانونی داشته باشند.

۱۶) پیش‌نویس قانون پیشگیری و مقابله با سود مصرف و قاچاق مواد مخدر و روانگردان که بعد از ۲۵۰۰ ساعت کار کارشناسی از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر تدوین گردیده و در حال حاضر سیر مراحل تصویب قانونی را می‌پیماید در ماده ۳۲ پیشنهادی خود اعلام می‌نماید مجازات‌های قانون بر مبنای مواد مخدر خالص تعیین شده‌اند و همچنین مراجع قضائی را مکلف به اخذ نظریه کارشناسان آزمایشگاه‌های ذیصلاح در خصوص میزان خلوص مواد کرده است.



کانون حقوقی استخری ویرا

«ادامه شرح لایحه»

تاریخ:.....

پیوست:.....

۱۷) نظریه مشورتی ۷/۳۷۸۸ مورخ ۱۹/۷/۱۳۷۹ اداره حقوقی قوه قضائیه صریحاً اعلام کرده است: «با توجه به اینکه ماده ۱۰ قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸ به موجب قانون ۱۳۵۹ ملغی گردیده است. بنابراین در مواردی که مواد مخدر آمیخته با شئی دیگر غیر از آن باشد (که در حال حاضر تمام هروئین موجود در بازار ناخالص می باشد) باید در لابراتورهای دستگاه ذریبند مورد آزمایش قرار گیرد تا میزان خالص مواد مخدر به دست آید و سپس با توجه به میزان خالص آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم شود.

۱۸) در خصوص تعیین درصد بعضی مواد در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸/۵/۲ هیأت وزیران تصویب نامه در رسیدگی قضائی ارزش قانون را ندارد و اگر لازم باشد قانونگذار محترم باید این تعیین درصد را مشخص نماید.

بنائاً به مراتب و ممنوعه در فوق:

اول- تعیین خلوص تمام مواد مخدر الزامی است تا مجازاتها براساس خلوص صادر شود.

دوم- صدر ماده ۸ آیین نامه قانون مواد مخدر نیز ارسال مواد مخدر را به آزمایشگاه تجویز کرده است.

در نتیجه: رسیدگی و اجابت خواسته موکل و ارجاع مواد به آزمایشگاه جهت تلخیص مزید امتنان است.

با تشکر و تجدید احترام

وکیل متهم - جعفر اخترنیا

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور شماره: ۱۹-۱۳۹۸/۹/۷۸۳

مستنبط از مقررات صدر ماده ۴۵ قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶ درباره نحوه اعمال تخفیف مجازات مشمولین به اعدام و حبس ابد، مبنای محاسبه و اعمال تخفیف، مجازات موجود قابل اجراست.

بنابراین، رأی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی همدان در حدی که با این نظر انطباق دارد، به نظر اکثریت اعضای حاضر، صحیح و قانونی تشخیص داده می شود و این رأی طبق مقررات ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابهی برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازمالاتباع است.



لایحه دفاعیه وکیل متهم به استعمال مواد
مخدر در گذشته و اعتیاد

تاریخ:.....
شماره پروانه:.....
پیوست:.....

ریاست و مستشاران محترم شعبه..... دادگاه انقلاب.....

سلام علیکم - با احترام به وکالت از ناحیه موکل آقای / خانم..... در برابر کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب..... به اتهام: استعمال مواد مخدر (در گذشته) و اعتیاد به مواد مخدر، عطف به برگ اخطاریه شماره / مورخ..... به تاریخ رسیدگی..... به ساعت..... موضوع کلاسه..... خاطر عالی را در مقام دفاع و تقدیم لایحه دفاعیه، مستحضر

می دارد کیفرخواست یاد شده به دلایل مشروحه ذیل وارد نبوده و مآلاً شایسته رد می باشد:
مقدمتا در جهت روشن تر شدن اذهان و اقناع شدن وجدان قضائی و از باب سهولت در رجوع به محضر دادگاه محترم معروض می دارم:

متن ماده ۱۶- معتادان به مواد مخدر یا روان گردان مذکور در دو ماده ۴ و ۸ فاقد گواهی موضوع ماده (۱۵) و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است، با گزارش مراکز مذکور و بنا بر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده (۱۵) این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع می باشد.

تبصره ۱- با درخواست مراکز مذکور و طبق دستور مقام قضایی، معتادان موضوع این ماده مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج می باشند که بنا بر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه های ذیربط، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

تبصره ۲- مقام قضایی می تواند برای یک بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده (۱۵) این قانون نسبت به تعلیق به مدت شش ماه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی می نماید. مراکز مذکور موظفند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی ارائه نمایند. در صورت تأیید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیر این صورت طبق مفاد این ماده اقدام می شود. تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذیربط برای یک دوره سه ماهه دیگر بلامانع است.



کانون آگاهی انگريزي روز

تاریخ:.....

شماره پروانه:.....

پیوست:.....

تبصره ۳- متخلف بدون عذر موجه از تکالیف موضوع تبصره (۲) این ماده به حبس از نود و یک روز تا شش ماه محکوم می‌شود (اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۹)

۱. با توجه به ماده ۱۵ حرف «و» در عبارت «... فاقد گواهی موضوع ماده (۱۵) و متجاهر به اعتیاد...» «واو» منصف است با این تعبیر هم معتادانی که فاقد گواهی هستند و هم معتادانی که متجاهر هستند برطبق این ماده با آنها برخورد می‌شود.

۲. عالی جنابان صدق عنوان «متجاهر» به شخص معتاد لازم است که معتاد سواء حالاتی که لازمه اعتیاد است. عمدا مرتکب اعمال و رفتاری شود که اعتیاد وی را به نمایش گذارد.

۳. صرف مثبت بودن تست مرفین دلیل بر معتاد بودن شخص به مواد مخدر نیست زیرا اولاً حتی اگر مثبت بودن تست ناشی از استعمال مواد مخدر باشد این مسئله دلیل اعتیاد نیست و اعتیاد وابستگی جسمی و روانی به ماده مخدر است که در اثر استعمال ماده مخدر به وجود می‌آید و چه بسا شخص به صورت تفننی اقدام به استعمال نماید ولی وابستگی جسمی و روانی به ماده مخدر به نحوی که بتوان وی را معتاد محسوب کرد، نداشته باشد لذا در صورت مثبت بودن تست مرفین در صورت انکار متهم جلب نظر کارشناس (پزشک قانونی) نیز الزامی است. این نظریه ضمن کمک به احراز واقع توسط مرجع قضایی می‌تواند متهم را از محکومیت به الزام به طلاق زوجه به لحاظ عسر و حرج ناشی از اعتیاد رهایی بخشد بدیهی است در مورد استعمال مواد مخدر به استناد ماده ۱۹ این قانون شخص به مجازات می‌رسد. ثانیاً مثبت بودن تست می‌تواند ناشی از مصرف دارو باشد.

۴. «ملاحظه و مذاقه در مجموع اوراق و محتویات پرونده اعتراض محکوم علیه و قاضی محترم اجرای احکام وارد به نظر می‌رسد زیرا دلیل و مدرکی که حکایت از این داشته باشد که وی معتاد می‌باشد در پرونده منعکس نیست و اوضاع و احوال ظاهری دلیل بر اعتیاد نیست...» (دادنامه شماره ۲۸۰۵/م د مورخ ۸۰/۵/۱۷ دادستانی کل کشور).

۵. شخص معتاد را نمی‌توان به لحاظ موادی که قبلاً خریداری و مصرف نموده مجازات کرد (دادنامه شماره ۳۲۷۵۰۱ دیوان عالی کشور) ولی از حیث نگهداری مواد مخدر مکشوفه همراه شخص معتاد ۷۴/۱۱/۲۷

با حذف ماده ۱۰ قانون مبارزه با مواد مخدر در اصلاحات



تاریخ:.....
شماره پروانه:.....
پیوست:.....

سال ۱۳۷۶ اراده ضمنی مقنن در خصوص مجازات معتادان به مواد مخدر را به لحاظ نگهداری مواد مخدر می‌توان استنباط نمود.

۶. «تخفیف مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی مذکور در ماده ۱۶ قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به صدر ماده ۳۸ قانون مذکور و ماده ۲۲ ق.م.ا فاقد اشکال قانونی است. ب - تعلیق مجازات انفصال دائم یا موقت چه در جرائم مواد مخدر و چه در سائر جرائم برخلاف قانون است. زیرا هدف واضعین قانون این بوده که کارمند متهم، به طور موقت یا دائم از خدمت در ادارات و مؤسسات و نهادهای دولتی، اشتغال به کار نداشته باشد بنابراین چنانچه قائل به تعلیق مجازات انفصال از خدمات دولتی اعم از دائم و موقت باشیم این نظر برخلاف اهداف مقنن و نقض غرض است» (نظریه شماره $\frac{۷/۱۰۲۲}{۸۰/۱۲/۱۳}$ اداره حقوقی قوه قضائیه) قسمت دوم نظریه اداره حقوقی مشعر بر عدم قابلیت تعلیق مجازات انفصال داشت به مانند ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی که جزای نقدی به

همراه دیگر تعزیرات را از شمول تعلیق خارج کرده به مجازات انفصال نیز اشاره می‌نمود و گسترش دامنه استثنائات صحیح نبوده و باید به قدر متیقن اکتفا نمود و لذا تبصره ماده ۳۲ ق.م.ا نیز این تفسیر را تقویت می‌کند.

بنا به مراتب فوق که مذکور شد و موارد ذیل که به عرض می‌رسد، کیفرخواست

دادستان محترم مردود بوده و موکل شایسته براءت است:

چه اولاً: تست اعتیاد موکل منفی بوده است.

ثانیاً: اعتیاد در گذشته جرم‌انگاری نشده است.

ثالثاً: قانون علیه متهم عطف به ماسبق نمی‌شود.

علیهذا: به استناد اصل مقنن و مستحکم ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، صدور حکم براءت موکل تحت استدعاست. مزید توفیق آن مقام محترم قضائی را در صدور رأی شایسته از درگاه خداوند منان مسئلت دارم.

با تشکر و تجدید احترام

وکیل متهم